

عنوان مقاله:

بررسی مفهوم عشق از دیدگاه سعدی و استرنبگ

محل انتشار:

دومین کنگره بین المللی توانمند سازی جامعه در حوزه علوم اجتماعی، روانشناسی و علوم تربیتی (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسنده:

لیلا مهندس - دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد مرودشت

خلاصه مقاله:

عشق مبنای هستی و از ماهیت حیات آدمی ناشی می شود که از دیر باز مورد توجه روانشناسان، ادیبان و شعرا بوده است. سخن از عشق، محدود به زمان و مکان نیست. عشق به عنوان احساس پاک و مطلوب انسان، در دل شاعران و هنرمندان شاید بیشتر از دیگران جای دارد و جایگاهش نیز والاتر است. غزلیات سعدی سرشار از مضامین لطیف و عاشقانه است و عشقی که از آن سخن می گوید ودیعه ای است ازلی و جاودانه و مدارج عشق از زمینی تا عرفانی در غزلیات او نمایان است. عشق ریشه در تمام ابعاد زندگی انسان دارد و در تمامی فرهنگ ها این مفهوم جزء مفاهیم اساسی اجتماعی بوده است. عشق در روانشناسی از مفاهیم پیچیده و یک فرایند شناختی است و روانشناسان برجسته ای چون استرنبگ به بحث در این باره پرداخته اند که استرنبگ عشق را در سطوح متفاوت بررسی کرده است. در این پژوهش به بررسی غزلیات سعدی با نظریه استرنبگ پرداخته شده است. روش تحقیق در این مقاله مقایسه ی تحلیلی میان دیدگاه سعدی در غزلیات راجع به عشق با دیدگاه استرنبگ - روانشناس و بیان شباهت های میان آنها می باشد. تعهد و صمیمیت و شوریدگی که از ارکان نظریه استرنبگ می باشد در غزلیات سعدی در هم آمیخته و نمایان بود.

کلمات کلیدی:

غزلیات سعدی، استرنبگ، عشق

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/612680>

